

صاحب امتیاز: م غبار
 مدیر مسئول: ع خروش
 اداره: جاده اندرابی ۱۹ کابل
 تلفون: ۱۹۵۳

وطن

هر چه شنبه نشر میشود

کابل: ۵۰ افغانی
 ولاپات: ۶۰ =
 خارج: ۵ دالر
 یک شماره: ۲۵ پول

شماره هفتم

۱۲ نور ۱۳۳۰

سال اول

م غبار

توازن در امور اجتماعی

عزاد م هوشیار میداند در ممالک ابتدائی و عقب ماند و پحران
 سی و اقتصادی موجود تفرقه و تشتت آرا و افکار ملت و مولد نفا
 م اعتماد جامعه گردد به شکل غیر شعوری مردم را بخطر
 د اخلاقی سوق میدهد و این خود موازنه را در عبادت اجتماع
 م زد و مملکت را از طرف اضمحلال مادی و معنوی میبرد
 وقت است که بحکم طبیعت خواهی نخواهی مردم در صد
 و بر رویا بند و هدیك راهی بضرر نجات جستجو وید بگری راه
 شد مثلاً عده پان نقطه نظر مبر سند که از وضع موجود
 بودی برای آلام اجتماع میسر نیست پس به اوضاع ماضی
 و تشکیلات قدیم دل بسته و در پی اعاده زندگی از دست
 میروند و اینها کسانی هستند که در تعالی نام داده
 و بسته و بگری معتقد باین میشوند که دست زدن
 و تشکیلات موجود و خطر ناک است پس دو دسته به اوضاع
 میسپند و هر نوع تحول را در دستگاه اداری منکر هستند
 اینها کسانی میباشند که "محافظة کار" خوانده میشوند، جمعیت
 م معتقد باین میشوند که ارتجاع ناممکن و محافظه کاری منجر
 لزال میشود و لهذا م از اصلاح اوضاع موجود میزنند و انرا
 گانه و همراه سعادت ملت و دولت می شمارند اینها کسانی
 هستند که "احداثی" خطاب میشوند. قسمتی از مردم هم
 بر آنند که امور و عبادت جامعه را در قید نظام اداری حکو
 م داده و اینها کسانی هستند که "انقلابی" نام داده
 و اینها از این جهت که در راه میروند که اینها انرا

تجاوز پاکستان بخاک افغانستان

در هفته گذشته از منابع رسمی افغانستان اعلام گردید که
 يك تولى عسکری پاکستان در شب ۲۰ حمل به تهمانه "باقی"
 واقع جناح راست کوتی "ویش" (ولایت قندهار) بحمله
 نظامی مبادرت کرده و بین آنها و محافظین افغانی زد و
 خوردی بعمل آمده است. لهذا وزارت امور خارجه
 افغانستان پروتست شدیدی بحکومت پاکستان داده است
 تا جائیکه مسلم است تجاوزات نظامی پاکستان در خاک
 افغانستان خلاف حق و مقررات حقوقی بین المللی و مخالف
 آداب همجواری شکل تکرار و تواتر بخود میگیرد. اینکه
 حکومت پاکستان باین پروتست دولت افغانستان چه جواب
 داده باشد هنوز معلوم نیست. ولی با فرض اینکه
 حکومت پاکستان جواب قناعت بخشى ندهد و پارسا متلافی
 این تجاوز و تخلف رانه نماید فهمیده نمیشود که حکومت
 افغانستان در مقابل آن چه رویه اتخاذ و بکدام اقدام
 مؤثری متشبث خواهد گردید؟ تا جائیکه تجربه در دست
 است رفتار حکومت تاحال در چنین موارد واضح و جدی
 چنانچه در ظرف تقریباً چهار سال قضیه مهم حیاتی و
 ملی افغانستان (یعنی پشتونستان) با پاکستان بضرر
 حل و فصل بپیچیدگی عملاً و نظراً نرسید. و دو سال میگذرد قوا
 قضائی پاکستان در داخل چوکات جغرافیائی افغانستان
 پرواز و منگلی بهاران نمود مشاهده بن و نمایندگان خار

استفتا

از مجلس محترم شورای ملی

جناب آقای دای ری رئیس محترم شورای ملی

اجازه بفرمایید جریده وطن تعبیر و تفسیر بعضی مواد قانون
 مطبوعات را از ان مقام محترم که قانونگذار کشور افغانستان اند
 خواهش نما بد و امید است جواب بشنود. تا نویسندگان و
 جراید ملی افغانستان بدانند این قانون بچه ترتیبی میتواند
 در باره آنها عملی شود، آنها اینکه با مساعی و مصارف خالصانه
 خود مصمم هستند درین قرن بیست یک کشور خویش خدمت نمایند
 خدمتیکه سایر ملل آسپائی یک قرن بیشتر انرا به مملکت خود
 انجام داده اند.

۱- میخواهیم بدانیم مواد جزائیه این اصول مطبوعات چسان
 در مورد جرایم و نویسندگان ملی تطبیق میشود؟ آیا مطابق
 ماده (۴۶) که مرجع تحقیق و قضاوت در رای تخط ریاست
 مطبوعات و در ولاپات مجالس مشوره محسوب شده اند این
 مراجع با پستی مجلس محاکمه تشکیل، متهم اخبار، تحقیقات
 اجراء، و بعد از استماع جرح و دفاع متهم و اثبات جرم و این همه
 در روی کاغذ و دفتر رسمی، بتحقیق و قضاوت مواد جزائیه در
 مورد نویسندگان و مدیران مسئول بپردازند؟ و یا محض یک
 شخص (مثلاً رئیس مطبوعات و پارسیس مجلس مشوره) بدین
 تشکیل محاکمه و تحقیقات در رتیب متهم میتواند مدعی و

پاک جامعه از نظر سیاست اجتماعی در چهارده سده ارتجاعی
محافظة کار، اهدائی با آزادی خواه و انتهای پسند منقسم میگردد
و هر یک از اینها عملاً برای پیشبرد نظریه سیاسی خویش با یکدیگر
مبارزه مینمایند، در حالیکه معنای همبند خدمت به ملت،
مملکت و دولت اند.
در قدم که علم و عقل سیاسی رشد ننموده بود بین دولت و حکومت
حد فاصلی وجود نداشت و رئیس دولت در عین زمان رئیس
حکومت هم شمرده میشد پس هر خدمتی که بفرص اصلاح -
حکومت از طرف مردم بعمل میآمد، در معنی بغیر و عصیان در
مقابل دولت محسوب و بیبرحمانه از بین برده میشد، ولی
بعد از آنکه علم و عقل سیاسی در بین ممالک و ملل جهان رشد
نمود، و طریقه دیموکراسی به میان آمد، فوراً بین دولت و حکومت
(باقی در صفحه ۳)

نیز اصل موضع بیماریان شده را تماشا کردند، معنی این آنکه
در افغانستان دولت و ملت و قوت مدافعه موجود و موافقت
بین المللی برای حل و قضاوت چنین حوادث زنده و میسر
است، تا امروز معلوم نشد که حکومت افغانستان در این -
مورد مهم و خطیر چه کرد؟ آیا متجاوز تلافی خسارات وارده
نمود؟ و با حکومت افغانستان مقابله بالمثل کرد؟
اگر نه کار این باشد که در برابر هر تجاوز عملی یک دولت
خارجی در داخل حدود افغانستان، حکومت تنها بداند
پروتستی و لو شدد اکتفا کند؟ پس باید گفت کار ما تمام
است! زیرا همین قبیل سهل انگاری و نفکته ها عدم -
خشونت و فقدان رشادت سیاسی حکومت های سرخوشه
*

قاضی و مجری قانون توسط قوای پولیس شمرده شود؟
دوم - آرزو داریم بفهمیم در صورت عدم قناعت متهم مراجعه
هم در کار است یا خیر؟ اگر هست مقام مراجعه و استیناف
کدام است؟ احترامات لایق به مقام عالی تقدیم میشود
(وطن)

* و گفته شده افغانستان بود که کار به اینجا کشید یعنی
مملکت قدیم و قویم افغانستان روز بروز و قدم بقدم از کار
رود بارها و از سادگی حل بحر ها رانده شده رفت تا
بالاخره در تنگ نای محاصره اقتصادی و سیاسی محسوس
ماند در حالیکه در ظهور چنین حوادث شوم و نفرت انگیز
که بحیات و شرف ملت و مملکت تماس میگیرد، هر حکومتی
موظف است که نقش دفاعی و استرداد حقوق ملی خود را
(باقی در صفحه ۳)

از هر طرف کورسهای اکابر وزارت معارف در جراید رسمی اعلانی منتشر نمود و با او طلبان برای کورسهای اکابر دعوت کرد این بخیال ما از بزرگترین کار نامه های تاریخی انوزارت است که اگر با دقت و عمومیت در کشور افغانستان عملی شود بنا بر تربیت و تهذیب و مدنیت جدید افغانستان را تهدای اساسی خواهد بود، تهدای که در برابران بلاد مزین عمارات مجلل و صد ها مظاهر دیگر تمدن اشیای سطحی بحساب خواهد رفت. زیرا مدنیت و توسعه است یکی تمدنهای خصوصی که بر پایه علم و هنر طبقه مخصوصی در یک کشور استوار میشود، چون تمدن غزنوی یا عباسی و امثال آن که عمر این تمدن ها هم چون عمر آن طبقه محدود با علم و دانش در دایره کوچکی زود گذر است. دیگر تمدن های عمومی که بر پایه علم و معرفت عموم یک ملت استوار میگردد مثل تمدن جدید امروزه دنیا که عمر آن مثل عمر ملت ها طولانی و قدیم است و بزودی از صرصر حوادث ناملاهم از پانمی افتد. آری تا اکثریت یک ملت خواننده و نویسند نباشد اگر دانشمندان بزرگ و انگشت شماری و اگر کاشفین و مخترعین فوق العاده و معدودی و اگر فابریکه های عظیمی و کورس شهرهای مجلل داشته باشند هم از ان استفاده شایان نمیتواند نمود و دارای یک مدنیت بادوام محسوب نخواهند شد بلکه ان علماء و کاشفین در چنین محیطی اصلا به میان نخواهند آمد اگر آمدند از میان خواهند رفت زیرا ان مدنیت عموم جامد و فاسد خواهد بود در چنین محیط تعلیمات عالی و مطبوعات و تبلیغات و صد ها زحمت و فداکاری دیگر در نیم قرن تا نهمینیت پس محدودی در پانمی خواهد نمود. در صورتیکه اگر اکثریت ملت تنها با سواد باشد در یکسال یک رساله مفید و جامع میتواند طرز تفکر جامعه را تبدیل و از تاریکی به روشنائی بکشد اینست که ما این اقدام وزارت معارف را که عظیم خواهد بود و جادارد اگر مبلغ خطایی از بودجه وعده از اعضای وزارت معارف و متخصصین و مسلمین مامور این کار مبارک شوند اینکار در ذات خود برای امروز افغانستان محتاج دوائر و سهمی است که کم از وزارت نباشد ما بهترین و امیدواریم که اگر

دیا لوك سہی و برادرکارها که بطور منظم پیش نمیرود از باعث نداشتن قوانین است زیرا ما قانون کم یا زیاد داریم بلکه از سبب نداشتن آدم صادق است پس سوال شماراجع به قانون بپهورد است.

ر: جناب عالی مکرر عرض کرده ام که نام قانون یا مواد قانون برای نظم امور دولت کافی نیست بلکه تطبیق قانون از طرف حکومت و مراقبت آن از طرف ملت سبب پیشرفت امور است.

همینکه قانون تطبیق شد آدم خائن هم مجبور است صادق شود والا قانون او را مجازات خواهد کرد.

و شما خود را فریب میدید چطور قانون تطبیق نمیشود شما یک پوزه احکام و امروهدایت در کل دفا تر مملکت نخواهید که از وزیر تا کتب در صد جای ان ننوشته باشند.

اصولا تمجیل شود یعنی مطابق قانون اجرا شود پس کدام قانون اجرا نشده؟

ر: جناب عالی پوره ۲۰ سال است که در قانون اساسی افغانستان از ماده ۱۱ تا ۲۶ چندین جا تکرار شده که بدون قوانین از هیچ کس چیزی گرفته نمیشود و هیچ کس توقیف و حبس و مجازات و شکنجه نمیکرد و همه مردم در حقوق و وظائف مملکتی مساوی و برابر هستند. هجده سال است که در قانون توقیف و حبس خانه ها از ماده ۱۰ تا ۱۶ نوشته شده که هیچکس بدون حکم قانون حبس نمیشود و مدت توقیف ۱۵ روز است و از حبس منفرد یکماه همچنین در سایر قوانین موجوده افغانستان صد ها ماده است که حدود و حقوق ملت و حکومت را مخین کرده است ولی اجازه میدید عرض کنم که مشاهدات خود جناب عالی بسیار چیزها از مردم خلاف قانون گرفته شده و بیگسست مردم بدون حکم قانون عوض یکماه چند سال حبس منفرد شده و عوض بانزد روز توقیف چند سال توقیف گردد و بدون حکم قانون ده سال حبس گردد و این همچنین جناب عالی معلوم است که حقوق و وظائف مملکت بیشتر مخصوص یک صنف مردم بوده و صنف دیگر محروم مانده اند پس پسر ما باید چه

کلاه قره قلسی

مد نیست موضوع کلاه قره قلی بشکل افتراحت صفحات بعضی روز نامه هارا مشغول کرده بعضی میگویند از نقطه نظر اقتصاد و تحصیل اسعار خارجی و آب و هوای تابستان و زمستان استعمال کلاه قره قلسی ممنوع شود بعضیها میفرمایند این کلاه برای اعاشه کلاه دوزها و پوشیدن بهر لباس مفید و غیر قابل ترک گفتن است. بگمان ما این هر دو نظر به متناقض نیستند با این معنی که اصلا استعمال و ساختن شکل کلاه قره قل میتواند بجای خود بماند تا کلاه دوزها اعاشه و پوشنده گان بهر لباس آسوده باشند ولی آینه این کلاه نه از پوست قره قل بلکه از پارچه های نخی و پشمی وطنی ساخته شود تا در گرما و سرما و هم بقیهت ارزان تر از قره قل و شاید در دسترس مردم قرار گیرد پس باید منع استعمال کلاه قره قل (برای بالا پوش پوشین و کلاه در داخل مملکت اعلان شود.

از فرهنگ و وطن

پل - آنچه مو تر آهسته از کنار آن عبور میکند.

سرك - قطعه زمینی نا هموار مایه فلاکت مظهر بیگاری.

موتر - حیوانی رمیده ای بی افسار.

شوفر - هم بد بخت هم سر سخت هم پر آزار.

موتر سوار - بر نیج و عذاب گرفتار.

بودجه معا بر - ما به کم طالب بسیار.

کدام طالب - از مد پرو و مامور از مهند مرو معمار.

چاره این کار - وقتا رینا فدا اب النار.

همچنین ما و شما نمیدانیم که بعضی رشته های اموری در مملکت است که فقط باید با شخص اعتمادی و استخوان پخته داده شود نه بهر آدم عادی و معمولی و لود آرای علم و تجربه و استحقاق باشد. در خد مات مهم کشور شرط اعتماد است نه باقت و قاطعیت.

محدود با علم و دانش در دانه اثره کو چندی زود گذر است
 دیگر تمدن های عمومی که بر پایه علم و معرفت عموم به عملت
 استوار میگردد مثل تمدن جدید امروزه دنیا که عمر آن مثل
 عمر ملت ها طولانی و قدیم است و بزودی از صرصر حوادث
 ناملاطم از پانمی افتد آری تا اکثریت یک ملت خواننده
 و نویسند نباشد اگر دانشمندان بزرگ و انگشت شماری و اگر
 کاشفین و مخترعین فوق العاده و معدودی و اگر فابریکه های
 عظیمی و گرشهرهای مجلل داشته باشند هم از آن استفاده
 شایان نمیتواند نمود و دارای یک مدنیت بادوام محسوب
 نخواهند شد بلکه آن علماء و کاشفین در چنین محیطی اصلاً به
 میان نخواهند آمد اگر آمدند از میان خواهند رفت زیرا که
 عموم جامد و فاسد خواهد بود در چنین محیط تعلیمات عالی
 و مطبوعات و تبلیغات و صد ها زحمت و فداکاری دیگر در
 قرن نهمینیت پس محدودی در جامعه خواهد نمود در
 صورتیکه اگر اکثریت ملت تنها با سواد باشد در یکسال یک
 رساله مینهد و جامع میتواند طرز تفکر جامع را تبدیل و از تاریکی به
 روشنائی بکشد اینست که ما این اقدام وزارت معارف را که عظیم
 خوانند هم وجداد اگر مبلغ خطبری از بودجه وعده از اعضای
 وزارت معارف و متخصصین و معلمین ماموروف این کار مبارک
 شوند اینکار در ذات خود برای امروز افغانستان محتاج دوائر
 و سپهی است که کم از وزارت نباشد ما بقیین و امید داریم که اگر
 این کار مهم بطور اساسی و متداوم مثلیکه در ممالک پیشرفته
 معمول است در وطن ما ابتدا از قشله های عسکری که هر سال
 بهترین جوانان مملکت را در اغوش خود میبرد و بازگازها
 آواز باز به تد ریج در مجامع کوچک مملکت توسیع شود قدامت بعد
 از ده سال نتیجه درخشان و باور نکردنی آن طوری در حیات
 اجتماعی افغانستان پیدا خواهد شد که زحمات پنجده
 ساله گذشته در مقابل آن خوردی خواهد نمود باید متفکر
 شد که وزارت معارف مادرین راه زحمات عمده پیشرو خواهد
 داشت که نه تنها عبارت از تهیه بولجان سامان و محله است
 بلکه عبارت از نقص النبا ماصحویت تعلیم و تعلم آنست در
 مدت کم و به اکابر اگر جوانان معارف ما از همه اینکار بر آیند
 باید گفت از سایر ممالک پیشرفته بهتر کار کرده خواهند بود
 زیرا آنها در تعلیم و تعلم سواد خواننی خود چنین مشکل عظیمی

سعیات پرده اسام و اسامی است
 که از وزیر تا کتب در صد جای آن نوشته باشند
 " اصولاً تسمیل شود " یعنی مطابق قانون اجرا شود پس
 کدام قانون اجرا نشده ؟
 ر - جناب عالی پوره ۲۰ سال است که در قانون اساسی
 افغانستان از ماده ۱۱ تا ۲۶ چند بن جاتکرار شده که
 بدون توانین از هیچ کس چیزی گرفته نمیشود و هیچ کس
 توقیف و حبس و مجازات و شکنجه نمیکرد و همه مردم در
 حقوق و وظائف مملکتی مساوی و برابر هستند هجده سال
 است که در قانون توقیف و حبس خانه ها از ماده ۱۰ تا ۱۶
 نوشته شده که هیچکس بدون حکم قانون حبس نمیشود و
 مدت توقیف ۱۵ روز است و از حبس منفرد یکماه همچنین در
 سایر قوانین موجود افغانستان صد ها ماده است که
 حدود و حقوق ملت و حکومت را معین کرده است ولی اجازه
 میدید عرض کنم که به شهادت خود جناب عالی بسیار چیزها
 از مردم خلاف قانون گرفته شده و بیگسست مردم بدون
 حکم قانون عوض یکماه چند سال حبس منفرد شده و عوض
 بانزده روز توقیف چند سال توقیف کرد بد و بدون حکم قانون
 ده سال حبس کرد بد و اینهم همچنین بجناب عالی معلوم
 است که حقوق و وظائف مملکت بیشتر مخصوص یک صنف مردم
 پوره و صنف دیگر محروم مانده اند ۰۰۰۰ پس بفرمائید چه
 گونه قانون در مملکت تطبیق شده است ؟
 و - درست است شاید در بعضی موارد سیاست تقاضا کرد
 که مثلاً فلان آدم بنام توقیف چند سال بدون تحقیقات ابتدا
 نگم داشته شود و یا فلان شخص بدون محاکمه چند بن سال
 محبوس بماند و یا مثلاً فلان رشته امور مهم مخصوص یکدسته
 اشخاص معتد و محرم باشد ولی این چه دخلی با اجرای قانون
 دارد ؟ ما و شما چه میدانیم که اگر فلان آدم بنام توقیف زیر نظر
 نبود چه فساد میگرد و یا فلان محبوس بی محاکمه در رخصا
 چه جنایتی کرده است که افشای آن از نظر سیاست مصلحت
 نیست ؟
 * پیشروند اشتد وند ارند در هر حال ماجد اوصیما تبریک و
 تهنیت خود را در آغاز اینکار مقدس بوزارت جلیله معارف
 تقدیم و کامیابی شان را در تاریخ وطن میخواستیم
 (وطن)